



## تأثیر هوش مصنوعی بر آینده حقوق و رسیدگی های قضایی

وحید ذبیح اله نژاد<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور، بابل، ایران

سید حسین ابوطالبی<sup>۲</sup>

مدرس حقوق دانشگاه پیام نور، بهنمیر، ایران

محمد روشن بین<sup>۳</sup>

مدرس حقوق دانشگاه پیام نور، بابل، ایران

علی ملکی<sup>۵</sup>

مدرس حقوق دانشگاه پیام نور، بهنمیر، ایران

علی رحیمیان درازکلا<sup>۴</sup>

مدرس حقوق دانشگاه پیام نور، بابل، ایران

### چکیده

هوش مصنوعی به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای انسان در قرن بیست و یکم بوده که پیشرفت تصاعدی آن در سال های اخیر به عنوان یکی از فناوری های پیشرفته در حال توسعه شمرده شده است، همچنین هوش مصنوعی به سرعت در حال گسترش سیطره خود در زمینه های علمی، فنی، صنایع و از جمله حوزه حقوق می باشد و سایه خود را بر مشاغل مختلف در این عرصه ها می گستراند. علت این امر را می توان سرعت و دقت چشمگیر هوش مصنوعی در پردازش حجم بالایی از داده ها در زمانی کوتاه و بالتبع افزایش سرعت و دقت در انجام امور مختلف انسان دانست؛ یکی از این جنبه ها، استفاده از هوش مصنوعی به عنوان مشاور در رسیدگی های قضایی است. هدف از این پژوهش تأثیر هوش مصنوعی بر آینده حقوق و رسیدگی های قضایی است. بررسی ها نشان می دهد که هوش مصنوعی می تواند در بهبود فرآیندهای قضایی، پیش بینی تصمیمات قضایی، ارزیابی مدارک حقوقی و حتی ایجاد قوانین جدید کمک کند. اما در کنار مزایای این فناوری، نگرانی ها و مخاوفی نیز وجود دارد، از جمله بروز مسائل حقوقی جدید و مواجهه با چالش های اخلاقی. به طور کلی، هوش مصنوعی تأثیر ژرفی بر حوزه حقوق دارد و نیاز به تحقیقات بیشتر و تدابیر احتیاطی در این زمینه وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** هوش مصنوعی، الگوریتم، حقوق، نظام دادرسی، رسیدگی های قضایی.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

## مقدمه

هوش مصنوعی<sup>۱</sup> در واقع تکنولوژی است که به نحوی قابلیت تفکر دارد. این قابلیت تا حدی مانند تفکر انسانی می باشد هر چند در مواردی تفاوت های زیاد و مهمی در بین آنها مشهود است. از زمان پیدایش هوش مصنوعی پیش بینی می شد که این فناوری جدید به انقلابی بزرگ در تمام صنایع و مشاغل بیانجامد. در سال های اخیر به کارگیری هوش مصنوعی از حوزه های پژوهشی و تحقیقاتی فراتر رفته و هم اکنون به یک ابزار کاربردی در زندگی انسان تبدیل شده و به طوری که توسل به هوش مصنوعی، زندگی بشری را تحت تأثیر خود قرار داده است.

بشر از ابتدای خلقت، تاکنون در همه حال میل به پیشرفت و تکامل داشته است. با مقایسه زندگی کنونی در دنیای مدرنیته و قرن ۲۱ با زندگی پیشینیان از صد سال پیش تا انسان های نخستین، پیشرفت های شگرفی در تاریخ وجود بشریت به چشم می خورد که هر کدام در کنار فوایدشان، مضراتی نیز به دنبال دارند. از جدیدترین مفاهیمی که بشر برای نیل به تکامل و پیشرفت بدان دست یافت موردی به نام هوش مصنوعی بود. در واقع هوش مصنوعی تحولی شگرف در دنیای دیجیتال و زندگی انسان بود اما هرچه که جلوتر می رویم با خطرات و موارد ترسناکی در خصوص آن روبرو می شویم (حسینی و پوربخشی، ۱۴۰۲). به طور کلی، هوش مصنوعی یکی از علوم جدیدی است که حدود نیم قرن از ظهور آن می گذرد و توانسته با اثبات قابلیت ها و کارآمدی هایش تأثیر غیرقابل انکاری بر اکثر عرصه های زندگی بشر بگذارد؛ از علوم مهندسی تا پزشکی و روانشناسی و علوم انسانی. کاربردهای هوش مصنوعی رو به افزایش، توسعه و تکامل است و چشم انداز آینده حضور خودمختار و مستقل آن در تمام عرصه های زندگی انسان ها را نشان می دهد.

هوش مصنوعی مانند آبی روان، بی خدشه، با آرامش و بی هیاهو آرام آرام در زندگی انسان رخنه کرده و بی ادعا در عمل ثابت نموده چقدر از بار زندگی پیچیده و دشوار انسان مدرن و خردمند امروز کاسته است از جراحی های دقیق و ظریف که بدون خستگی و خطا و لرزش دست به یاری و بعد به جانشینی پزشک آمده و شادی بیمار را نظاره گر بوده تا همچون عضوی مصنوعی و البته طبیعی و کارآمد به یاری افراد فاقد عضو شتافته و با دریافت و فهم فرمان های مغز و انجام دستورات مغز به جانشینی عضو از دست رفته حرکت کرده و مفهوم معلولیت جسمی را به چالش کشیده است، همچون مهندسی دقیق با رعایت تمام جوانب در سریع ترین زمان محاسبات لازم را انجام داده و به جای او اجرا می کند، بی آنکه بهانه خطای انسانی و غیره، توجیه گر اشتباهات و حوادث باشد همچون فرمانده ای دلاور و شجاع وارد میادین جنگی و محیط های پرخطر شده و عملیات جنگی، مبارزه تروریستی، ورود به محیط های هسته ای و آلوده شیمیایی و غیره را انجام می دهد، بی آنکه بیمار شده یا عملیات را ترک یا انسان ها در انجام این عملیات به خطر افتند نهایتاً بار مسئولیت دولت ها، حاکمان و شهرداران را در کنترل حکمرانی، تصمیم گیری و ارائه خدمات کاسته و رضایت مندی و آسایش زندگی مردم را موجب شده است. حضور هوش مصنوعی دنیا را کوچک و مرزها را نامرئی کرده و زبان مشترک و دغدغه مشترک بشریت را ایجاد نموده است که چه بسا مفهوم دولت ها و قدرت های برتر در آینده با تغییرات جدی مواجه شود و مفهوم شهروندی فارغ از شهرها، مرزها و قلمروها در دنیای هوش مصنوعی مفهومی دیگر یابد و انسان ها را به ذات اصلی شان در وفاق و اشتراک بشری بازگرداند، بار امانت سنگین زندگی بشر در زمین و رفع نیازها و طی طریق زندگی و رفع روزمرگی را سبک می کند تا برای روح و روان و علایق خود فرصت و مجال بیشتری بیابد بی آنکه جانش را زودتر از عمر واقعی اش در اثر حوادث سنگینی کارها و خطرات شغلی و استرس های آن از دست دهد. گرچه حضور و ظهور هر فناوری در جای خود چالش ها و مشکلاتی نیز در کنار مزایای آن در پی دارد که در مورد هوش مصنوعی نیز انکارپذیر نمی باشد اما کارآمدی هوش مصنوعی بیشتر از توجه به نکات منفی آن بوده و در این اثر بیشتر به کاربرد

<sup>1</sup> Artificial Intelligence

و قابلیت‌های آن توجه شده و چالش‌ها و نگرانی‌های حضورش موضوع مستقلى است که آن‌را به اثرى ديگر و نگاهی ديگر واگذار می‌کنیم (ابوذری، 1402).

از این رو با توجه به خطرات، اهمیت و نو بودن این موضوع و تأثیر آن در زندگی انسان و دنیای حقوقی، بر آنیم در این پژوهش ضمن بازتعریف مفاهیم پایه هوش مصنوعی، مباحثی از جمله هوش مصنوعی در حقوق و رسیدگی قضایی، صورت‌های به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظام دادرسی، آورده هوش مصنوعی برای نظام قضایی و شهروندان، امکان پیشگیری از تکرار جرم با توسل به هوش مصنوعی، استفاده از هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی و چالش‌های مختص نظام حقوقی ایران بپردازیم.

### ماهیت و مفهوم هوش مصنوعی

درک مفهوم هوش مصنوعی نیازمند ارائه تعریفی جامع از هوش و سپس هوش مصنوعی است. نظریه‌پردازان تعاریف متفاوتی از هوش ارائه داده‌اند. برخی هوش را توانایی، کسب تجربه، ادراک و انتخاب مناسب در برابر تغییرات محیطی می‌دانند (Poole et al, 1998). برخی دیگر بر این نظرند که هوش عبارت است از توانایی یافتن سریع راه حل مناسب در فضای اطلاعاتی عظیمی که از نظر ناظران بعید به نظر می‌رسد (Lenat and Feigenbaum, 1992). هوش مصنوعی، که به اختصار آن را AI می‌نامند، یک موضوع نوین میان رشته‌ای در علوم مهندسی است. شروع تحقیقات علمی درباره AI بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد، اما در سال ۱۹۵۶ میلادی به‌طور رسمی برای نخستین بار به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی اعلام شد و این رشته، وظیفه و هدف خود را خلق یک سیستم هوشمند می‌داند که نه تنها قادر بر فهم باشد و موضوعات را درک، کند بلکه یک هویت هوشمند مستقل باشد که بدون نیاز به انسان اهداف تعریف شده توسط خودش یا انسان را دنبال کند و به تحقق برساند (Rusel, 1995) و (ولی‌پور و اسماعیلی، 1400).

هوش مصنوعی به تبع تعریف هوش، خالی از نظریه‌پردازی‌ها و تعاریف متفاوت نیست. اصطلاح هوش مصنوعی را نخستین بار پروفسور جان مک‌کارتی استاد دانشگاه استنفورد ذیل مفهوم علم و مهندسی ساخت ماشین‌های هوشمند مطرح کرد؛ این اصطلاح به ماشین‌هایی اشاره می‌کند که می‌توانند یاد بگیرند و هوشمندانه عمل کنند (Manning, 2022). در تعریفی جامع، هوش مصنوعی را سیستم‌های هوشمندی می‌نامند که از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ و محاسبات ابری یاد می‌گیرند، اجرا می‌کنند و انواع جدیدی از نرم‌افزارها و روبات‌ها را توانمند می‌سازند تا به‌صورت بسیار مستقل از تصمیمات سازندگان و اپراتورها عمل کنند (Kayssi, 2019). هوش مصنوعی به لحاظ قدرت در تصمیم‌گیری و حل مسئله به نسل اول: هوش مصنوعی واکنش‌گرا<sup>۱</sup>، نسل دوم: هوش مصنوعی حافظه محدود<sup>۲</sup>، نسل سوم: هوش مصنوعی ذهنی<sup>۳</sup> و نسل چهارم: هوش مصنوعی خودآگاه<sup>۴</sup> دسته‌بندی می‌شود (Hintze, 2016). ذکر این دسته‌بندی اهمیت دارد، زیرا نسلی از هوش مصنوعی که قرار است در جریان دادرسی به کار رود باید ضمن هوشمندی از نوعی فهم انسانی مبتنی بر درک وضعیت عاطفی دیگران برخوردار باشد تا دادرسی منصفانه‌تری صورت پذیرد. نکته مهم آن که هوشمندانه عمل کردن و تجزیه و تحلیل داده‌ها در سیستم ماشینی بدون در نظر گرفتن نقشه راه عملی نیست؛ این نقشه راه الگوریتم نام دارد. الگوریتم مجموعه‌ای متناهی از دستورالعمل‌ها است که به ترتیب خاصی اجرا می‌شوند و مسئله‌ای را حل می‌کنند. به عبارت دیگر، الگوریتم روشی گام به گام

<sup>1</sup> Reactive Machines

<sup>2</sup> Limited memory

<sup>3</sup> Theory of mind

<sup>4</sup> Self-awareness



برای حل مسئله یا پرونده است.<sup>۱</sup> هوش مصنوعی در دو بُعد ساختار منطقی<sup>۲</sup> و ساختار انسانی<sup>۳</sup> تعریف می‌شود. این دو بُعد می‌بایست با پیوند متناسب به یکدیگر شبیه‌ساز تفکر و رفتار انسانی باشند. هوش مصنوعی در بُعد ساختار منطقی به معنای قابلیت انجام عملیات منطقی و تحلیل داده‌ها با استفاده از الگوریتم‌ها و قواعد منطقی است. این بُعد از هوش مصنوعی برای انجام وظایفی مانند پردازش زبان طبیعی، تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی‌ها استفاده می‌شود. اما در بُعد ساختار انسانی، هوش مصنوعی تلاش می‌کند تا شبیه‌سازی تفکر و رفتار انسانی داشته باشد. به عبارت دیگر، این نوع از هوش مصنوعی سعی دارد از طریق شبیه‌سازی رفتارها، احساسات و تفکرات انسانی، به انجام وظایفی همچون تفاوتی دادن بین تصاویر، تشخیص چهره، یادگیری از تجربیات قبلی و حتی ارتباطات بین فردی پرداخته است. بنابراین، ترکیب مناسب بین این دو بُعد ساختار به ایجاد یک سیستم هوش مصنوعی کامل و بهینه کمک می‌کند. این نوع از هوش مصنوعی می‌تواند به طراحی و توسعه سیستم‌های هوشمند و کاربرد در حوزه‌های مختلف از زندگی کمک کند و به تحقق اهداف انسانی کمک کند.

### هوش مصنوعی در حقوق و رسیدگی قضایی

هوش مصنوعی در حقوق و رویه‌های قضایی به عنوان یک ابزار قدرتمند برای بهبود و بهینه‌سازی فرآیندهای قانونی شناخته شده است. برای مثال، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند در تحلیل داده‌های حقوقی و پیش‌بینی نتایج قضایی کمک کنند. این سیستم‌ها قادرند اطلاعات حقوقی را به صورت سریع و دقیق ارزیابی کرده و اطلاعات مهم را استخراج کرده و به وکلای حقوقی یا قضات ارائه دهند. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند در رصد صورت‌های حقوقی پیچیده کمک کند و به کاهش پیچیدگی و زمان مورد نیاز برای رسیدگی به این موارد کمک کند. به علاوه، هوش مصنوعی می‌تواند در ترجمه متون حقوقی و ترجمه اسناد و سندهای قانونی به زبان‌های مختلف کمک کند. این قابلیت می‌تواند در ارتباطات بین‌المللی و مواجهه با موارد قانونی چندزبانه بسیار مفید باشد. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند در تجزیه و تحلیل سابقه حقوقی متهمان و متشاکیان و همچنین در پیگیری و ارجاع پرونده‌ها به شکل اتوماتیک بهره‌ور باشد. از این روش‌ها می‌تواند در افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های اداری در دستگاه قضایی نقش مهمی ایفا کند.

هوش مصنوعی برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد از نظر برخی هوش مصنوعی به معنی شکل مصنوعی زندگی است که می‌تواند انسان‌ها را هوشمند کند و برای برخی یک تکنولوژی پردازش داده‌ها است. هوش مصنوعی سیستمی است که اخیراً در حال ظهور است که از رایانه‌ها و کلان داده‌ها به عنوان مبنایی برای شبیه‌سازی رفتار انسان با ماشین‌ها استفاده می‌کند. هوش مصنوعی روشی برای تقلید از تفکر انسان با یادگیری دانش عظیم داده‌ها و استفاده از الگوریتم‌ها برای استدلال و تجزیه و تحلیل داده‌ها است. در عصر تکنولوژی پیشرفته کنونی بسیاری از مشاغل در سیستم قضایی را می‌توان با فناوری‌های هوش مصنوعی جایگزین کرد. اکنون بعضی از دادگاه‌ها استفاده از هوش مصنوعی را در قوه قضاییه مورد استفاده قرار داده‌اند (محمودی و بحر کاظمی، ۱۴۰۲). هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری کاملاً جدید ارائه می‌شود که هیچ شباهتی با فناوری‌های دیجیتالی که سال‌ها توسط دادگاه‌ها استفاده می‌شود مانند برنامه‌های کاربردی، مدیریت پرونده با تشکیل پرونده الکترونیکی ندارد. فناوری‌های سنتی کاربردهای مختلفی را شامل می‌شود؛ از جمله مواردی برای مدیریت پرونده، تشکیل پرونده الکترونیکی، زنجیره‌های عدالت یکپارچه، پلتفرم‌های عدالت الکترونیک، فناوری‌های ویدئویی، پایگاه‌های حقوقی، منابع انسانی و سیستم‌های حسابداری (Fabri, 2001) شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین هوش مصنوعی و سایر فناوری‌های دیجیتال مرتبط

<sup>1</sup> <https://en.wikipedia.org/wiki/Algorithm>

<sup>2</sup> Rationality

<sup>3</sup> Humanity



هستند و به شناسایی پیامدهای ورود هوش مصنوعی به حوزه قضایی کمک می‌کنند. هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی در هنگام رسیدگی به مسائل حقوقی با چالش‌های زیادی روبرو هستند. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، بازیابی نظرات قضایی از داده‌های قانونی است که منجر به نتایج انحصاری و کم توجهی می‌شود. همچنین درصد عدم دقت در نتیجه پیچیدگی سؤال‌های حقوقی افزایش می‌یابد. اگر هوش مصنوعی به انجام طبقه‌بندی و در نتیجه ارتقای عملیاتی از طریق ساخت پیوندهای منطقی بررسی متقابل و اتصال حقایق و سرنخ‌ها در پرونده‌های قضایی برسد، انتظار این است که حقیقت در محاکمه افشاء شود (Pasquale, 2019). برای این کار از روش‌های مختلفی همچون اتوماسیون سیستماتیک مانند تشخیص افراد یا اشیاء، ایجاد مدل‌هایی از روابط موجود بین اطلاعات پیوندهای رابطه‌ای و تشخیص ناسازگاری‌ها استفاده می‌شود (محمودی و بحر کاظمی، 1402).

### صورت‌های به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظام دادرسی

نحوه به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظام قضایی هر کشور و تأثیرات آن در نظام دادرسی به ساختار قضایی آن کشور بستگی دارد. در این پژوهش، هوش مصنوعی می‌تواند به سه صورت در نظام دادرسی تأثیرگذار باشد: 1. هوش مصنوعی به منزله ابزار پیشگیری از جرم؛ 2. هوش مصنوعی به منزله ابزار ارائه پیشنهاد یا تصمیم‌سازی؛ 3. هوش مصنوعی به منزله ابزار تصمیم‌گیری.

#### 1. هوش مصنوعی به منزله ابزار پیشگیری

پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از: پیش‌بینی و شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن (قانون پیشگیری از وقوع جرم ج.ا.ا، ۱۳۹۴، ماده ۱). به‌طور کلی موضوع پیشگیری از وقوع جرم یا تکرار آن از وظایف نظام قضایی کشورها است. در جمهوری اسلامی ایران نیز انجام این مهم بنا به اصل ۱۵۶ قانون اساسی به عهده قوه قضاییه است که به علت نقش ضابطیت پلیس در حوزه تشخیص تقلب، حوادث رانندگی و غیره و یا جرائم ارتكابی در فضاهای عمومی تأثیر پیشگیرانه هوش مصنوعی در کارکرد آن به مثابه ابزار حفاظت از امنیت عمومی و نیز کمک به ایجاد نظام قضایی کارآمدتر تبلور یافته است. اگرچه موضوع پیشگیری پیش از ورود به مرحله دادرسی قرار دارد، بررسی این موضوع از این جهت مهم به نظر می‌رسد که ممکن است در مرحله پیشگیری یا حتی کشف جرم تبعیضاتی توسط هوش مصنوعی صورت پذیرد و سپس به نظام دادرسی نیز تسری یابد. الگوریتم‌های هوش مصنوعی با هدف پیشگیری و ذیل دو سازوکار فردی و جمعی به ارزیابی ریسک یا تهدید و نقطه‌زنی مجرمان می‌پردازند (مصطفوی و همکاران، 1401).

#### 2. هوش مصنوعی به منزله ابزار ارائه پیشنهاد (تصمیم‌سازی)

سناریوی بهره‌مندی از هوش مصنوعی به منزله دستیار قاضی و ابزار ارائه پیشنهاد به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن پرونده مطرح شده و سپس مقام قضایی از هوش مصنوعی برای گردآوری اطلاعات و دریافت خروجی یا پیشنهاد استفاده می‌کند. از این‌رو مقام قضایی مختار خواهد بود تا به خروجی یا پیشنهاد ارائه شده توسط هوش مصنوعی ترتیب اثر دهد یا مستقلاً رأی صادر کند. برای مثال، مقام قضایی می‌تواند از هوش مصنوعی برای بررسی همزمان چندین متغیر مرتبط از قبیل سن مجرم، سابقه کیفری و حضور نداشتن وی در مواعد دادرسی به منظور ارزیابی دقیق خطر ابتلای مجرم به خشونت ارتکاب دوباره جرم یا احتمال مراجعه نکردن دوباره به دادگاه استفاده کند. در حال حاضر، حدود ۱۰ درصد از دادگاه‌های ایالات متحده از جمله سه ایالت آریزونا، کنتاکی و نیوجرسی و سه شهر بزرگ شارلوت، شیکاگو و فینیکس از این طرح استفاده کرده‌اند که





در نهایت موجب کاهش میزان جرم و جنایت و جمعیت زندانها در حوزه های قضایی محل استفاده از آن شده است (Arnold and Arnold, 2015).

### 3. هوش مصنوعی به منزله ابزار تصمیم گیر (جایگزین قضات)

صورت نهایی و کمال هوش مصنوعی در فرایند دادرسی قضایی ایفای نقش ابزار تصمیم گیری قضایی (رأی) است. اهم فواید به کارگیری هوش مصنوعی در فرایند دادرسی به منزله ابزار تصمیم گیر عبارت است از: کاهش اشتغالات کاری قضات، بررسی دقیق تر شواهد، منع تبعیض، امکان جستجو در دنیایی وسیع از داده های قضایی و غیر قضایی، استانداردسازی شاخصه های عدالت، ارتقای ارزش ها و عمل به آنها. این که هوش مصنوعی چگونه به این اهداف دست خواهد یافت موضوعی محوری است که لزوم مدل سازی قضایی (طراحی الگوریتم) در موضوع هوش مصنوعی را دو چندان خواهد کرد از این رو این مدل باید مبتنی بر توجه به ارزش های زیربنایی قانون باشد تا خود قانون و در فرایند رسیدگی قضایی، به جای تکیه بر روش های سنتی در اعمال یکپارچه دستورالعمل های قضایی مقید بر ارزش های تعیین شده از سوی نظام حقوقی و کاربرد منطقی این ارزش ها در رسیدگی های انفرادی باشد (Re & Solow-Niederman, 2019). برای مثال، در مدل سازی به منظور ارزیابی و طبقه بندی زندانیان و تشخیص واجد شرایط بودن آنها برای اعطای آزادی مشروط این ارزیابی به کمک ارزش هایی از قبیل وضعیت فعلی، حسن رفتار مجرم، متغیرهای خارج از کنترل مجرم و تعریف آن در قالب مدل الگوریتم صورت می پذیرد. مثلاً اگر والدین و اطرافیان مجرم سابقه جنایی داشته باشند وی در معرض خطر بیشتری قرار می گیرد و فاقد شرایط لازم برای بهره مندی از آزادی مشروط توصیف می شود (Christin et al, 2015) و (مصطفوی و همکاران، 1401).

### آورده هوش مصنوعی برای نظام قضایی و شهروندان

ابزارهای پیش بینی خطر تکرار جرم، به طور کلی و هوش مصنوعی، به طور خاص؛ مزایا و معایب مختلفی برای تصمیم گیران نظام عدالت کیفری و نیز شهروندان دارد. این ابزارها می تواند نهادهای قضایی به ویژه قضات کیفری را در مرحله تصمیم گیری یاری رساند. در همین راستا ماده ۳۹ قانون مجازات قابل بحث است که مقرر می دارد چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می شود؛ و یا بند "ب" ماده ۴۰ پیش بینی اصلاح مرتکب را یکی از شروط صدور قرار تعویق صدور رأی تعیین کرده است بی آنکه ابزار پیش بینی اصلاح را در اختیار دادگاه قرار دهد. همین مسئله موجب شده که محاکم کیفری در آراء خود بر اساس معیارهای صرفاً ذهنی (نجفی ابرندآبادی، 1392) و غیرقابل سنجش به پیش بینی اصلاح مرتکب اشاره کنند. قاضی کیفری به کمک این ابزارهای فناورانه قادر خواهد بود در حین کیفرگزینی، پاسخ سوالات مختلف را بجوید؛ مانند اینکه: 1. آیا باید متهم را به حبس در محیط بسته محکوم کرد؟ 2. آیا اگر وی زود هنگام از زندان آزاد شود جرم جدیدی مرتکب خواهد شد؟

افزون بر این چنین فناوری هایی می تواند امنیت حقوقی شهروندان به ویژه بزه دیدگان و متهمان را تقویت کند؛ زیرا در این بستر، تصمیم دیگر توسط انسان اتخاذ نمی شود؛ بلکه یک ابزار فناورانه است که به شکل علمی، عمل ارتكابی معیارهای عینی و بیرونی را بررسی می کند و در جهت امنیت حقوقی تصمیم می گیرد. بدین سان، انتظارات شهروندان از نظام عدالت کیفری از جمله قابلیت پیش بینی، شفافیت، قابل درک و فهم بودن یک تصمیم و غافلگیر نشدن در برابر آن تا حدودی از این طریق برآورده می شود. در نهایت اینکه ابزارهای پیش بینی از طریق کمک به عدم آزادی مرتکبان پرخطر<sup>۱</sup> بر اثر بخشی مجازات

<sup>۱</sup> بند "ج" دستورالعمل اجرایی «کنترل مجرمان حرفه ای و سابقه دار» شماره 9000/18785/100 مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶، مجرم خطرناک را فردی می داند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی وی و کیفیت ارتکاب و نوع جرم ارتكابی، او را در مظان ارتکاب جرائم مهم در آینده قرار دهد. تشخیص این امر به عهده دادستان است. بند "ح" ماده ۱ آیین نامه اجرایی شماره 9000/14339/100 مورخ 1400/02/28 نیز به جای تعریف "مجرم خطرناک"، به "حالت خطرناک" پرداخته است. بر اساس این بند حالت

می‌افزاید (ابراهیمی، 1401). این فناوری به‌طور خاص در زمینه کیفری می‌تواند برای پیشگیری از تکرار جرم، چه در معنای حقوقی و چه در معنای جرم‌شناختی با استقبال روبرو شود.

### امکان پیشگیری از تکرار جرم با توسل به هوش مصنوعی

مسئله امکان پیشگیری از تکرار جرم، مستلزم بررسی دو موضوع است: 1. امکان فنی؛ 2. چارچوب قانونی. که در این پژوهش، موضوع امکان فنی استفاده از هوش مصنوعی بررسی می‌گردد.

#### 1. امکان فنی استفاده از هوش مصنوعی

مسئله امکان به‌کارگیری هوش مصنوعی در قلمرو کیفری، نخست در ایالات متحده مطرح شد؛ جایی که سازوکارهایی به منظور افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتار بزهکاران طراحی و استفاده شد. نزدیک به یک قرن پیش در سال ۱۹۲۸، ارنست برگس<sup>۱</sup>، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو، با مطالعه حدود سه هزار زندانی سابق، سازوکاری برای پیش‌بینی احتمال موفقیت آزادی مشروط (غلامی، 1397) و احتمال تکرار جرم، شناسایی و طراحی کرد و پیشنهاد نمود که از این ابزار در دیگر حوزه‌های مرتبط با عدالت کیفری از جمله شناسایی اطفالی که در آستانه ارتکاب جرم هستند و یا شناسایی افرادی که احتمال اصلاح آنها وجود دارد، استفاده شود. امروزه نیز اگرچه مسئله شناسایی یک مرتکب قبل از گذر از اندیشه به عمل مجرمانه، عمدتاً در چارچوب فیلم‌های علمی-تخیلی مطرح می‌شود، لیکن برخی از ابزارهای مشهور به ارزیابی ریسک (پاکنهاد، 1394) این قابلیت را دارد که احتمال تکرار یک رفتار مجرمانه توسط کسی که قبلاً محکوم به کیفر سلب آزادی شده است را پیش‌بینی کند. بدین‌سان به لحاظ فنی امکان ارزیابی خطر تکرار (نجفی ابرندآبادی، 1400) اساس داده‌های جمع‌آوری شده به کمک الگوریتم وجود دارد. کشور آمریکا در این خصوص از ادبیات حقوقی-جرم‌شناختی نسبتاً گسترده‌ای برخوردار است. به‌طور کلی، در سیستم کامن‌لای<sup>۲</sup> دسته‌بندی سطح ریسک، یعنی سطح پایین ریسک، سطح متوسط و سطح بالا، از مدت‌ها پیش جزء معیارهایی قرار گرفته است که قاضی هنگام تعیین کیفر یا تدابیر اصلاحی بدان توجه می‌کند. بر اساس این معیار، بزهکاران با ریسک ضعیف، تکرار یا به کیفر سلب آزادی کوتاه مدت و یا به جایگزین آن محکوم می‌شوند (ابراهیمی، 1401). در عوض، آن دسته که از ریسک بالای تکرار برخوردارند، به کیفر سلب آزادی طولانی مدت در محیط بسته محکوم می‌شوند. بدین ترتیب، تعیین میزان خطر تکرار بر عهده خود قاضی است. لذا الگوریتم‌های ارزیابی خطر تکرار، برای کمک به قاضی در انجام این تکلیف ایجاد شد و با گذر زمان توسعه یافت.

البته در ابتدا از این ابزار صرفاً در مرحله اجرای مجازات جهت ارزیابی اعطا یا عدم اعطای آزادی مشروط استفاده می‌شد. امروزه اما بهره‌برداری از آن در مرحله تعیین کیفر و نیز رصد مرتکب در حین آزادی مشروط و یا در جریان نظر نیز میسر شده است؛ ضمن این‌که برخی ایالت‌های متحده، ارزیابی خطر تکرار را در اصول راهبردی تعیین کیفری وارد کرده‌اند. در نهایت این‌که اگرچه این ابزارها اختیارات قاضی صادرکننده رأی را محدود نمی‌سازد، لیکن نتایج برآمده از الگوریتم ناخواسته بر تصمیم‌وی تأثیر خواهد گذاشت. بدین ترتیب، ابزارهای پیش‌بینی خطر تکرار که جایگزین نظرات کارشناسی ناکارآمد شده بود، آن چنان موفق عمل کرد که نظام ارزیابی ریسک تکرار جرم در ایالات متحده، منحصراً بر روش‌های پیش‌بینی مشهور به

خطرناک: «وضعیت متهم با محکومی است که پیشینه ویژگی‌های روان‌شناختی، شخصیتی و رفتاری وی و ماهیت جرم یا جرائم ارتکابی یا کیفیت ارتکاب آن، او را در مظان ارتکاب جرایم خشن یا مهم در آینده قرار می‌دهد. تشخیص این امر به عهده شورای طبقه‌بندی است، مصادیق جرایم خشن و مهم، مطابق با تعاریف مذکور در ماده ۱ دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار مصوب 1397/04/26 می‌باشد».

<sup>1</sup> Ernest Burgess

<sup>2</sup> Common Law

«آماري- سنجشي» انكا كرد (Morvan, 2019). رشد موقعيت هوش مصنوعي به مرور به طراحي و ساخت نسل جديد ابزارهاي ارزيابي خطر تکرار جرم کمک کرد. از جمله اين ابزارها، نرم افزار مرجع Compass<sup>1</sup> در ايالات متحده است که بر اساس يک الگوريتم مشتمل بر داده هاي زیر پایه گذاری شده است: 1. اطلاعات مربوط به رفتارهاي جنائي که طی چندین سال توسط پلیس جمع آوری شده است؛ 2. تصميم هاي سلب آزادي (احکام حبس)؛ 3. عوامل خطر مرتبط با جنس، سن، تحصیل، احوال شخصيه، وضعيت کاری- حرفه اي، شرايط مالي، پيشينه قضايي، محل اقامت و ميزان ثبات وی<sup>2</sup> (ابراهيمي، 1401). اين الگوريتم همچنين بر پایه مدل يادگيري خودکار مبتنی است؛ يعنی رایانه هاي که به تنهائي و به اتکاء داده هاي موجود قادر به آموختن هستند. در واقع، هدف اين است که اين رایانه ها احتمال تکرار جرم يک مرتکب را به لحاظ آماری برآورد کنند. به طور مشخص؛ الگوريتم، داده هاي آماری به دست آمده و مختصات يک بزهکار را با هم مقایسه می کند. حال چنانچه اين بزهکار با فرد سابقی که مرتکب تکرار شده است، عوامل خطر مشترک داشته باشد خطر تکرار وی بالا ارزیابی می شود. در نهايت، نتیجه اين سنجش، الگوريتم به قاضی صادرکننده رأی ارسال می شود. نرم افزار ديگر PREDPOL است که توسط يک استاد رشته انسان شناسی و با الهام از الگوريتم پيش بينی زلزله طراحي و با هدف پيش بينی مکان (محل هاي جرمزا) و زمان ارتکاب برخی جرایم در اختيار پلیس قرار گرفت. در واقع، اين نرم افزار به دنبال تحقق رؤیای پلیس در پيش بينی جرم بر اساس فيلم علمی- تخیلی گزارش اقلیت است<sup>3</sup> (ابراهيمي، 1401). اين نرم افزار نیز چون موجب جابجایی بزهکاری می شد از انتقادات مصون نماند.

در انگلستان نیز دانشگاه کمبریج، نرم افزار HART<sup>4</sup> را طراحي کرد. اين نرم افزار که به صورت آزمایشي از سال ۲۰۰۷ توسط پلیس مورد استفاده قرار گرفت، چندین مرحله داشت؛ نخست، مجموعه بایگانی جرایم از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، به منظور اطلاع از تصميمات اتخاذی پلیس در طول اين دوره و آمار تکرار در رایانه ثبت شد. پس از آن، يک الگوريتم بر اساس اين اطلاعات از پيش ثبت شده طراحي شد تا از يکسو خطر تکرار افراد مظنون را ارزیابی نماید و سپس آنان را در يکی از سه گروه دارای خطر ضعيف، متوسط و بالا دسته بندی کند با اين اقدام، نزدیک به ۳۰ عامل که برخی از آنها غير آماری و بی ارتباط با جرم بودند مانند آدرس، جنس و غيره به دست آمد. اين موارد سپس با مشخصات و مختصات فرد مظنون مقایسه شد (Oswald et al, 2018). پلیس از اين ابزار در مرحله تحت نظر و برای سنجش ميزان خطر تکرار فرد مظنون از يکسو و اتخاذ تصميم مناسب جهت تمديد مدت تحت نظر و يا آزادی استفاده کرد. اما اين فناوری به دليل اینکه معمولاً امنیت را به حقوق و آزادی های بنيادين افراد ترجيح می دهد و تمايل دارد که افراد را پرخطر نشان دهد<sup>5</sup> لازم است با يک چارچوب حقوقی محدود شود (ابراهيمي، 1401).

## استفاده از هوش مصنوعي در رسيدگی های قضايی

<sup>1</sup> اين الگوريتم که توسط يک شرکت خصوصي طراحي شده است، در برخی ايالت ها الزاماً بايد توسط قاضی مورد استفاده قرار گیرد. در اين چارچوب، 137 سؤال از جمله داشتن تلفن در منزل، دشواری در پرداخت صورتحساب، پيشينه خانوادگی و پيشينه کيفری پرسیده می شود. سپس الگوريتم، فرد را در يک دسته بندی از 1 (خطر ضعيف) تا 10 (خطر بالا) قرار می دهد. اين يک متغیري است که به قاضی در هنگام تعيين کيفر کمک می کند.

<sup>2</sup> در اين خصوص ر.ک: «منشور اخلاق حرفه ای اروپا برای استفاده از هوش مصنوعي در نظام قضايی». مصوب سوم دسامبر 2018: 55 و 128.

<sup>3</sup> Minority report

<sup>4</sup> Harm assessment risk tool

<sup>5</sup> چه بسا افرادی که بر اين اساس پر خطر تلقی شدند و در طول مدت بررسی، مرتکب تکرار نشدند و افرادی که کم خطر ارزیابی شدند، در حالی که طی آن مدت، جرایم جدیدی مرتکب شدند.



امروزه پیچیدگی روابط انسان‌ها در ابعاد مختلف، زندگی باعث شده است تا منازعات و اختلافات میان اشخاص به سادگی گذشته نباشد. برخی رسیدگی‌های قضایی به جهت حجم بالای اطلاعات موجود در پرونده، ماه‌ها و حتی سال‌ها به طول می‌انجامد همچنین تخصصی شدن امور نیز تأثیر خود را بر رسیدگی‌های قضایی گذاشته و علاوه بر ایجاد دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به پرونده‌های خاص<sup>۱</sup>، حجم اطلاعات تخصصی لازم برای رسیدگی به پرونده‌های معمولی را نیز افزایش داده است. علاوه بر این، به‌طور خاص در کشور ما تراکم قوانین و مقررات و تعدد مراجع صالح جهت وضع آنها باعث شده تا رسیدگی عادلانه و قانون‌مدار در دادگاه‌ها مستلزم تسلط قاضی بر حجم بسیار زیادی از قوانین و مقررات با پراکندگی فراوان باشد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲). از سوی دیگر قابلیت‌های چشمگیر هوش مصنوعی در پردازش و مدیریت داده‌های فراوان با سرعت بالا و دقت قابل توجه بر کسی پوشیده نیست (Wischmeyer, 2020). توجه به تحقق هرچه بیشتر و سریع تر عدالت، باعث شده است تا دو مطلب در کنار یکدیگر و تمایل به تحقق هرچه بیشتر - ایده استفاده از هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی به ذهن بشر خطور نماید. در واقع می‌توان فرایند دادرسی را به الگوریتمی تشبیه کرد و داده‌هایی را که مربوط به پرونده‌های قبلی و سایر منابع بوده و برای آموزش ماشین مورد استفاده قرار گرفته‌اند، همان داده‌های آموزشی در نظر گرفت که قبلاً به آن اشاره شد. طبیعتاً اطلاعات مربوط به هر پرونده خاص را که در اختیار هوش مصنوعی قرار می‌گیرد تا با پردازش آنها خروجی مربوط به همان پرونده در قالب مشورت به قاضی ارائه شود، باید به مثابه داده‌های ورودی به سیستم در تعامل با محیط و کاربر در نظر گرفت. البته رسیدگی‌های قضایی مانند داده‌های ریاضیات نیست ولی وقتی اطلاعات پرونده در اختیار ماشین هوشمند قرار داده می‌شود، ماشین آنها را به مانند بسیاری دیگر از داده‌ها در سایر زمینه‌ها، به‌صورت مفاهیم ریاضی دسته‌بندی می‌کند و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد اما این امر باعث نمی‌شود تا ماهیت اصلی داده‌ها و محتوای آنها دچار تغییر و تحول شود. سرعت هوش مصنوعی در تجزیه و تحلیل داده‌ها ارتباطی به نوع داده‌های دریافتی ندارد، بلکه به قابلیت خاص الگوریتم مورد استفاده آن و بهره‌مندی از ویژگی‌های رایانه بر می‌گردد. تجربه برخی از کشورها (Wischmeyer, 2020) حاکی از استفاده از هوش مصنوعی در قضاوت، برای مشاوره است و نه به‌عنوان جایگزین مستقل قاضی و اصطلاحاً «قاضی ربات‌آ»<sup>۲</sup>. در واقع نمی‌توان ادعا کرد که در حال حاضر امکان جایگزینی هوش مصنوعی به جای قاضی فراهم شده، لذا لازم است همچنان قاضی در رأس امور قرار داشته و بر تمام مراحل دادرسی نظارت داشته باشد زیرا بر این امر اذعان شده که هنوز هوش مصنوعی با قابلیت‌های فراتر از انسان در تمام ابعاد و حتی برابر با آن که بتواند تمام کارکردهای احساسی درک و غیره را در خود داشته باشد که اصطلاحاً به آن هوش مصنوعی قوی<sup>۳</sup> گفته می‌شود و در دسترس بشر قرار ندارد (Poolal, 2017) و (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲).

### چالش‌های هوش مصنوعی (مختص نظام حقوقی ایران)

استفاده از هوش مصنوعی در جوامع مزایا و مخاطراتی دارد؛ به‌کار بردن دو واژه مزایا و مخاطرات در کنار یکدیگر مبین این مفهوم است که فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی در کنار مزایا مخاطرات و چالش‌هایی را نیز به همراه خواهد داشت (مصطفوی اردبیلی و همکاران، ۱۴۰۱)، که در ادامه دو موضوع «مسئولیت هوش مصنوعی در مقام قاضی» و «تعارض با انگاره‌های قضاوت در نظام حقوقی ایران» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. مسئولیت هوش مصنوعی در مقام قاضی

<sup>۱</sup> در این خصوص ر.ک: «ماده ۱ قانون حمایت خانواده و ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری».

<sup>۲</sup> robot judge

<sup>۳</sup> نوعی از هوش مصنوعی که توانایی‌های شناختی مشابه انسان را داراست و قابلیت ارتقا و بازطراحی خویش را دارد.



یکی از چالش‌های مهمی که حول محور قضاوت هوش مصنوعی مطرح می‌شود، مسئولیت این سامانه‌ها است که آیا یک برنامه رایانه‌ای صلاحیت دارد تا به صدور حکمی که قاطع دعوا میان طرفین است، مبادرت ورزد و مسئولیت صدور رأی را بر عهده گیرد؟ این سؤال حتی در رویه قضایی برخی کشورها نیز نفوذ کرده است در پرونده (2018) *Pintarich v Deputy Commissioner of Taxation* که در دادگاه فدرال استرالیا مطرح شد دادگاه این‌گونه حکم داد که تجدید نظرخواه نمی‌تواند به نام‌هایی که رایانه تولید می‌کند استناد حقوقی کند؛ چرا که این نامه را نمی‌توان تصمیم اداره مالیات مبنی بر لزوم واریز بدهی مالیاتی تلقی نمود؛ چه آن‌که رسیدن به تصمیم مستلزم طی یک فرایند ذهنی برای رسیدن به یک نتیجه است و نیز باید تصمیم‌گیرنده، هدف ابراز آن نتیجه را داشته باشد و نامه‌ای که رایانه صادر می‌کند هیچ یک از این دو ویژگی را دارا نیست (Tim and Bazzana, 2018).

در خصوص مسئولیت هوش مصنوعی به نظر می‌رسد که وضعیت هر نظام حقوقی متفاوت باشد. برخی از نظام‌ها با شخصیت بخشی به هوش مصنوعی ممکن است در آینده نه چندان دور، مسئولیت مستقلی را برای این سیستم‌ها در نظر بگیرند کما این‌که در برخی از نظام‌ها، گام‌های اولیه در این خصوص برداشته شده است اقدام عربستان در اعطای تابعیت به ربات انسان‌نمای «سوفیا» و اقدام ژاپن در اعطای اقامت توکیو به یک سیستم هوشمند در زمره آنهاست. در حقوق ایران اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مسئولیت قضات اختصاص یافته است. به عقیده برخی نویسندگان مسئولیت قاضی دارای ۴ رکن است که عبارت اند از: ۱. اتخاذ تصمیم قضایی؛ ۲. ارتکاب اشتباه یا تقصیر؛ ۳. وقوع ضرر؛ ۴. رابطه سببیت بین اشتباه یا تقصیر و وقوع ضرر (اصغری آقمشهدی و قربانی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد که رکن اول تنها در صورتی محقق می‌شود که قاضی هوش مصنوعی به‌طور مستقل به حل و فصل اختلاف بپردازد و در مواردی که رأی صادره هوش مصنوعی توسط قضات انسانی مورد بازبینی قرار می‌گیرد، نمی‌توان رأی صادره را منتسب به هوش مصنوعی دانست و تمام مسئولیت‌ها اعم از مدنی، کیفری و انتظامی بر عهده قاضی انسانی قرار خواهد گرفت. در فرضی که هوش مصنوعی مستقلاً به قضاوت بپردازد، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین رکنی که مفقود است و مسئولیت هوش مصنوعی را مخدوش خواهد نمود رابطه سببیت و قابلیت انتساب رأی صادره به هوش مصنوعی است در نظام حقوقی ایران از آنجا که شخصیت حقوقی هوش مصنوعی مورد پذیرش قرار نگرفته است باید اذعان داشت که هوش مصنوعی به مثابه محصول است [فلذا] نمی‌تواند مانع مسئولیت دیگران شود (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸).

## ۲. تعارض با انگاره‌های قضاوت در نظام حقوقی ایران

در صورتی که هوش مصنوعی بخواهد در نظام حقوقی ایران، جایگزین قضات انسانی شود و مستقلاً به تصمیم‌گیری و صدور رأی مبادرت کند با چالش‌هایی رویاروی خواهد بود که اختصاص به نظام حقوقی ایران و زیربنای آن، یعنی فقه و امامیه دارد. در حقوق ایران و فقه، انگاره‌هایی در خصوص قضاوت وجود دارد که تطبیق آنها با هوش مصنوعی دور از ذهن به نظر می‌رسد؛ به‌عنوان مثال، شروطی همچون «بلوغ، عقل، اسلام، عدالت ذکوریت، اجتهاد، حریت، طهارت مولد، علم به اصول استنباط و احکام شرعی بینایی و ناطق بودن که اکثر آنها به جز چند مورد خاص، در میان مذاهب خمس مورد اتفاق است» بسیاری از شرایط فوق از جمله؛ بلوغ، اسلام، عدالت، ذکوریت طهارت مولد و غیره به گونه‌ای است که (حاجی‌علی، ۱۳۹۲) بالطبع فقط انسان می‌تواند دارای آن باشد و در مورد قاضی هوش مصنوعی نمی‌توان آنها را متصور شد. به علاوه، اگرچه ربات‌ها امروزه می‌توانند صحبت کنند، ببینند، تصمیماتی عقلانی بگیرند و اطلاعاتی را ذخیره کنند، به دشواری می‌توان آنها را، ناطق بینا و عاقل یا عالم در معنای شرعی آن قلمداد نمود. به زعم برخی، «در رابطه با حکم تکلیفی بکار گرفتن هوش مصنوعی عمومی به‌عنوان قاضی، دو دیدگاه موجود است بعضی از فقهاء بر این عقیده اند که اگر فردی صرفاً مأذون از طرف قاضی در

تطبیق مفاهیم و احکام بر مصادیق آن باشد و مصون از خطا و اشتباه باشد، بعید نیست که جایز باشد بعضی از فقهاء برای به کارگیری، آن حکم حاکم شرع را لازم دانسته‌اند و بعضی قائل به عدم جواز می‌باشند و بعضی امکان عملی آن را هم بعید دانسته‌اند، ولی معتقدند که استفاده از آن به عنوان ابزار مانعی ندارد. با استناد به آیات، روایات، شرایط قاضی و عرف قول به عدم جواز در هوش مصنوعی محدود جواز در هوش مصنوعی عمومی از اتقان بیشتری برخوردار می‌باشد» (بینش به‌نیا، 1400). در همین راستا به نظر می‌رسد در صورتی که هوش مصنوعی بتواند بر اساس قوانین و در خلأ قوانین بر اساس فتاوی معتبر تصمیم‌گیری نماید و بر تصمیمات آن از سوی قضات انسانی نظارت شود، ممکن است آن دسته از فقیهان که قائل به جواز قضاوت قاضی مقلد هستند، قضاوت هوش مصنوعی را معتبر تلقی کنند. از منظری دیگر نباید خدمت چشمگیری را که هوش مصنوعی می‌تواند به قضات در شناخت رویه غالب در محاکم یا شناسایی فتاوی معتبر از میان انبوه نظریات فقهی مطروح، در صورت فقدان مقررات صریح ارائه نماید، از نظر دور داشت (رهبری و شعبانپور، 1401).

### نتیجه‌گیری

از آنجایی که طرح «قضاوت با هوش مصنوعی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در حال بررسی است و تهیه‌کنندگان آن انتظار دارند که با تصویب آن، تحولی در آینده قضایی ایجاد و از اطلاع دادرسی کاسته شود با توجه به کارنامه هوش مصنوعی و جنبه‌های مثبت و منفی آن برای نظام عدالت کیفری، ضروری است که به کارکرد دیگر آن در قلمرو کیفری اندیشید؛ یعنی تأملی نو درباره کارکرد و نه جایگاه آن. توضیح اینکه به جای استفاده از هوش مصنوعی به عنوان ابزار کاهش اطلاع دادرسی، پیشگیری از جرم یا تنبیه مرتکب الگوریتم می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که در خدمت اصل فردی‌سازی کیفر قرار گیرد. هوش مصنوعی با جمع‌آوری اطلاعات، ویژگی‌ها و عناصر عینی شخصیت مرتکب مانند سطح آموزش، اشتغال، برخورداری از حمایت‌ها و پوشش‌های درمانی - اجتماعی منظم و مطالبه این اطلاعات از نهادهای دولتی مانند اداره کار سازمان بهزیستی و غیره می‌تواند حجم مهمی از داده‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و غیره را در یک جا متمرکز کند و همه آنها را در کوتاه‌ترین زمان در اختیار مقام قضایی صادرکننده رأی قرار دهد؛ مقام قضایی از یکسو با توجه به فراوانی پرونده‌ها، وقت اندک جهت رسیدگی به هر پرونده و شناخت ابعاد مختلف شخصیتی مرتکب و از سوی دیگر به دلیل سیاست‌های آماری در مدت اندک، حجم قابل توجهی از پرونده‌ها را تعیین تکلیف نماید (ابراهیمی، 1401)؛ در این صورت است که می‌توان گفت قاضی از ابزار لازم برای صدور کیفر مناسب‌تر به حال متهم برخوردار است. بدین‌سان هوش مصنوعی در خدمت انسان قرار خواهد گرفت و نه برعکس. ناگفته پیداست که تحقق این آرمان، یعنی عدالت کیفری که بتواند بین فناوری و حقوق بشر جمع کند منوط به کیفیت داده‌ها، رعایت قانون در استفاده از این ابزار، شفافیت در پردازش الگوریتم و مهم‌تر از همه حفظ اختیار قاضی در ارزیابی و صدور رأی است. با توجه به آنچه بیان شد در کنار مزایای این فناوری، نگرانی‌ها و مخاوفی نیز وجود دارد، از جمله بروز مسائل حقوقی جدید و مواجهه با چالش‌های اخلاقی. به‌طور کلی، هوش مصنوعی تأثیر ژرفی بر حوزه حقوق دارد که این امر، نیاز به تحقیقات بیشتر و تدابیر احتیاطی در این زمینه وجود دارد.

#### منابع:

1. ابراهیمی، شهرام. پیشگیری از تکرار جرم از طریق هوش مصنوعی، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره 19، شماره 23، تابستان 1401، 33-54.
2. ابوذر، مهنوش، 1402. حقوق و هوش مصنوعی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
3. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و قربانی دیسفانی، جواد. مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، دوره 2، شماره 7، زمستان 1386، 35-48.
4. بینش‌به‌نیا، الهه. حکم تکلیفی بکارگیری هوش مصنوعی به‌عنوان قاضی از منظر فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشکده الهیات دانشگاه شهید باهنر، 1400.
5. پاکنهاد، امیر، 1394. سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
6. حاجی علی، فریبا. مسئولیت مدنی قاضی از دیدگاه حقوق ایران و مذاهب خمس، دوفصلنامه فقه مقارن، دوره 1، شماره 1، بهار و تابستان 1392، 127-147.
7. حسینی، محمدسعید و پوریخشی، علی. هوش مصنوعی و تأثیر آن بر دنیای حقوق، چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی، خرداد 1402.
8. حسینی، سید احمد؛ عبدخدائی، زهره و شریف‌خانی، محمد. کاربرد هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی؛ چالش شفافیت و راهکارهای آن، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره 28، شماره 101، بهار 1402، 67-90.
9. حکمت نیا، محمود؛ محمدی، مرتضی و واثق، محسن. مسئولیت مدنی ناشی از تولید ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره 1، شماره 60، بهار 1398، 231-258.
10. رهبری، ابراهیم و شعبانپور، علی. چالش‌های کاربرد هوش مصنوعی به‌عنوان قاضی در دادرسی‌های حقوقی، فصلنامه تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه حقوق و فناوری)، دوره 25، بهمن 1401، 419-444.
11. غلامی، حسین و برزگر، مهری. کارکرد روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم در اعطای آزادی مشروط، فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، دوره 7، شماره 24، پاییز 1397، 9-36.
12. محمودی، امیر رضا و بحر کاظمی، مریم. هوش مصنوعی و تأثیر آن بر سیستم قضایی، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره 6، شماره 18، زمستان 1402، 55-72.
13. مصطفوی اردبیلی، سید محمدمهدی، تقی‌زاده انصاری، مصطفی و رحمتی‌فر، سمانه. کارکردها و بایسته‌های هوش مصنوعی از منظر دادرسی منصفانه، فصلنامه حقوق فناوری‌های نوین، دوره 3، شماره 6، پاییز و زمستان 1401، 60-47.
14. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها، بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، اداره کل دفتر آموزش و پرورش سازمان قضایی نیروهای مسلح با همکاری نشر میزان، 1392.
15. ولی‌پور، علی و اسماعیلی، محسن. امکان‌سنجی مسئولیت مدنی هوش مصنوعی عمومی ناشی از ایجاد ضرر در حقوق مدنی، فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره 2، شماره 6، پاییز 1400، 1-8.



16. Arnold, L., & Arnold, J. (2015). **More than 20 Cities and States Adopt Risk Assessment Tools to Help Judges Decide Which Defendants to Detain prior to Trial**. Laura and John Arnold Foundation.(Ljaf), <https://www.courts.wa.gov/subsite/mjc/docs/arnoldfoundation.pdf>
17. Brookes, Tim & Mitchell Bazzana. (2018). **Automated Correspondence not Necessarily a 'Decision' which can be Relied on**, 2018; Available at: <https://www.ashurst.com/en/news-and-insights/legal-updates/automated-correspondence-not-necessarily-a-decision-which-can-be-relied-on>.
18. Christin, A., Rosenblat, A., & Boyd, D. (2015). **Courts and predictive algorithms**. *Data & civil rights: A new era of policing and justice*, 13.
19. Fabri, marco and francesco contini. (2001). **justice and technology in europe: how ict is changing judicial business**.
20. Frank a. pasquale. (2019). **a rule of persons, not machines: the limits of legal automation**, 87 geo. wash.
21. Hintze, A. (2016). **Understanding the four types of AI, from reactive robots to self-aware beings**. *The Conversation*, 14.
22. Kayssi, A. (2019). **Artificial intelligence**. Maroun Semaan, Faculty of Engineering and Architecture (American University of Beirut). p.3.
23. Lenat, D., & Feigenbaum, E. (1992). **On the thresholds of knowledge**. *Foundations of Artificial Intelligence*, MIT Press, Cambridge, MA, 185-250.
24. Manning, C. (2022). **Artificial Intelligence Definitions**. *Human Centered Artificial Intelligence* (Stanford university). [https://hai.stanford.edu/sites/default/files/06-2022/HAI\\_Terms\\_6\\_22.pdf](https://hai.stanford.edu/sites/default/files/06-2022/HAI_Terms_6_22.pdf)
25. Morvan, Patrick, Criminologie, LexisNexis (Éditeur). (2019).
26. Oswald, Marion, Jamie Grace, Sheena Urwin et Geoffrey arnes. (2018). **Algorithmic risk assessment policing models: lessons from the Durham HART model and 'Experimental' proportionality**, dans *Information & Communications Technology Law*.
27. Poola, I. (2017). **How Artificial Intelligence in Impacting Real Life Every day**, *International Journal of Advance Research and Development*, Vo2. Issue10 .
28. Poole, D., Mackworth, A. K., & Goebel, R. (1998). **Computational Intelligence: A Logical Approach**. Oxford University Press.
29. Re, R. M., & Solow-Niederman, A. (2019). **Developing artificially intelligent justice**. *Stan. Tech. L. Rev.*, 22, 242.
30. Wischmeyer, T., & Rademacher, T. (2020). **Regulating Artificial Intelligence**, Springer.





## The impact of artificial intelligence on the future of Law and judicial proceedings

<sup>1</sup> Vahid Zabihollahnejad

(Law student of Payame Noor University, Babol, Iran)

<sup>2</sup> Seyyed Hossein AboTalebi

(Law Lecturer of Payame Noor University, Bahnamir, Iran)

<sup>3</sup> Mohammad Roshanbin

(Law Lecturer of Payame Noor University, Babol, Iran)

<sup>4</sup> Ali Rahimian Derazkola

(Law Lecturer of Payame Noor University, Babol, Iran)

<sup>5</sup> Ali Maleki

(Law Lecturer of Payame Noor University, Bahnamir, Iran)

### Abstract

Artificial intelligence has been one of the most important human achievements in the 21st century, and its exponential progress in recent years has been considered as one of the advanced technologies under development, also that artificial intelligence is rapidly expanding its control in the fields of It is scientific, technical, industrial, etc., and it spreads its shadow over various jobs in these fields. The reason for this can be the remarkable speed and accuracy of artificial intelligence in processing a large amount of data in a short time and consequently increasing the speed and accuracy in doing various human tasks; one of these aspects is the use of artificial intelligence as a consultant in judicial proceedings. The purpose of this research is the impact of artificial intelligence on the future of law and judicial proceedings. Studies show that artificial intelligence can help improve judicial processes, predict judicial decisions, evaluate legal documents, and even create new laws. But along with the benefits of this technology, there are also concerns, including the emergence of new legal issues and facing ethical challenges. In general, artificial intelligence has a profound impact on the field of law, and there is a need for more research and precautions in this field.

**Keywords:** “Artificial intelligence, algorithm, law, judicial system, judicial proceedings”.

---

<sup>1</sup> Corresponding Author